

# از علم سکولار تا علم دینی

تألیف

دکتر مهدی گلشنی

استاد دانشگاه صنعتی شریف

چاپ سوم با اضافات



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۸۵

گلشنی، مهدی، ۱۳۱۷ -

از علم سکولار تا علم دینی / تألیف مهدی گلشنی. - (ویراست ۲). - تهران:  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.  
۲۰۹ ص.

ISBN 964-426-267-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

۱. علم و دین. ۲. دنیوی‌گرایی. الف. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
ب. عنوان.

۲۱۵

۴الف ۸۵/۲/۲۴۰ BL

۱۳۸۵

کتابخانه ملی ایران

۸۵-۲۶۶۸ م



## از علم سکولار تا علم دینی

تألیف دکتر مهدی گلشنی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: (ممت‌الله) ممت‌پور

چاپ سوم: ۱۳۸۵

چاپ اول: ۱۳۷۷؛ چاپ دوم: ۱۳۸۰

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

ناظر چاپ: سیدابراهیم سیدعلی

چاپ و صحافی: چاپ فرشیه

ردیف انتشار: ۵-۸۵

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 964-426-267-0

شابک ۰-۲۶۷-۴۲۶-۹۶۴

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۲-۸۸۰۶۶۸۹۱، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

## فهرست

|    |                                              |
|----|----------------------------------------------|
| ۱  | پیشگفتار                                     |
| ۵  | از علم دینی تا علم سکولار                    |
| ۷  | علم و جهان‌بینی‌ها                           |
| ۹  | محدود شدن گستره مفهوم علم دینی در جهان اسلام |
| ۱۷ | پیدایش علم جدید و حاکمیت علم‌زدگی            |
| ۲۷ | سکولار شدن علم در جهان اسلام                 |
| ۳۵ | تبعات جایگزینی علم دینی به وسیله علم سکولار  |
| ۴۵ | منابع                                        |
| ۴۹ | رابطه علم و دین در دنیای معاصر               |
| ۵۱ | انحاء ارتباط علم و دین                       |
| ۵۱ | ۱. تعارض                                     |
| ۵۲ | ۲. استقلال                                   |
| ۵۳ | ۳. گفتگو (تعامل)                             |
| ۵۴ | ۴. وحدت                                      |
| ۵۸ | احیاء گرایش به دین و معنویات در غرب          |
| ۶۰ | شواهد احیاء                                  |
| ۶۳ | جمع‌بندی                                     |

جدول پیوست

۶۴

منابع

۶۵

اسلام و علوم طبیعت

۶۷

جایگاه علوم طبیعت از نظر اسلام

۶۹

عبرت‌گیری از مطالعه طبیعت

۷۳

چند سؤال اساسی در مورد علوم طبیعت

۷۷

۱. رابطه علم و دین در جهان‌بینی اسلامی چیست؟

۷۷

۲. مجاری معمولی شناخت طبیعت چیست؟

۷۹

۳. آیا کل جهان از طریق کاوش‌های متداول علمی قابل فهم است؟

۸۰

۴. آیا علم به تنهایی جهان را توضیح می‌دهد؟

۸۴

نتیجه‌گیری

۸۸

منابع

۹۳

عوامل مؤثر در شکوفایی علم در تمدن درخشان اسلامی

۹۵

مقدمه

۹۷

۱. تشویق قرآن و سنت به فراگیری علوم

۱۰۰

۲. تشویق قرآن به کاوش طبیعت

۱۰۱

۳. تشویق به کسب علم از هر منبع ذی علم

۱۰۲

۴. تشویق دانشمندان و فراهم کردن امکانات برای تحقیق و آموزش

۱۰۵

الف) بزرگداشت علما

۱۰۵

ب) کمک مالی به دانشمندان

۱۰۶

ج) کمک مالی به دانشجویان

۱۰۷

د) ایجاد مدارس

۱۰۷

|     |                                                  |
|-----|--------------------------------------------------|
| ۱۰۸ | ه) فراوانی کتابخانه‌ها                           |
| ۱۰۹ | و) تخصیص موقوفات برای ترویج علوم                 |
| ۱۰۹ | ۵. احساس جهان‌وطنی در علمای مسلمان               |
| ۱۱۱ | ۶. حاکمیت روح تسامح                              |
| ۱۱۳ | ۷. تعهد به پیروی از برهان                        |
| ۱۱۶ | ۸. حقیقت‌جویی دانش‌پژوهان                        |
| ۱۱۹ | ۹. جامعیت علم اسلامی و وحدت علوم در اسلام        |
| ۱۲۱ | ۱۰. سخت‌کوشی دانشمندان مسلمان در کسب معرفت       |
| ۱۲۳ | نتیجه‌گیری                                       |
| ۱۲۵ | منابع                                            |
| ۱۲۹ | وحدت حوزه و دانشگاه                              |
| ۱۳۱ | ۱. زمینه طرح مسأله وحدت                          |
| ۱۳۲ | ۲. منظور از وحدت                                 |
| ۱۳۴ | ۳. نقش حوزه در وحدت                              |
| ۱۴۳ | ۴. نقش دانشجویان در وحدت                         |
| ۱۴۴ | ۵. نقش استادان در وحدت                           |
| ۱۴۵ | ۶. توصیه‌ها                                      |
| ۱۴۷ | منابع                                            |
| ۱۵۰ | از علم سکولار تا علم دینی: دانشگاه اسلامی        |
| ۱۵۱ | ۱. زمینه تاریخی طرح مسأله                        |
| ۱۵۶ | ۲. سؤالات و انتقادات                             |
| ۱۵۸ | ۳. جایگاه علم دینی                               |
| ۱۵۸ | (۱) علم فارغ از پیش‌فرض‌های متافیزیکی نیست       |
| ۱۷۳ | (۲) نقش جهان‌بینی در جهت‌گیری‌ها و کاربردهای علم |

۴. علم اسلامی ۱۷۵
- ملاحظات و سؤالاتی پیرامون علم دینی ۱۷۶
۵. دانشگاه اسلامی ۱۸۶
۶. برنامه آموزشی - پژوهشی دانشگاه اسلامی ۱۹۱
- جدول پیوست ۱۹۶
- منابع ۱۹۷
- فرهنگ اصطلاحات ۲۰۱
- فهرست اعلام ۲۰۵

## پیشگفتار

در سال‌های اخیر چند مسأله مهم زیر در محافل فرهنگی ما مورد بحث و مناقشه فراوان بوده است :

۱. سکولار بودن جوامع علمی ما

۲. رابطه علم و دین

۳. علم اسلامی و اسلامی شدن دانشگاه‌ها

واقعیت این است که در دو قرن گذشته، جهان غرب به علت پیشرفت در علوم و فنون، جوامع اسلامی را به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت سلطه خود درآورده است و جهان اسلام همراه با اخذ علوم، فلسفه‌های زیربنایی این علوم را به محیط‌های علمی خود منتقل ساخته است. هم‌اکنون در دارالاسلام، دانش‌پژوه از یک طرف علوم و فنون را فرا می‌گیرد و از طرف دیگر با آموزش‌های دینی به طور پراکنده آشنا می‌شود و نظر غالب دانش‌پژوهان این است که اینها دو حوزه کاملاً مستقل از هم هستند و تأثیری در یکدیگر ندارند. همچنین استدلال می‌شود که کار علمی، شرقی و غربی و اسلامی و غیر اسلامی ندارد. علم روش خاص خود را دارد که عبارت باشد از تجربه و نظریه پردازی و تطبیق تجربه با پیش‌بینی‌های نظریه. ما این مطلب را نه تنها از مخالفان دین می‌شنویم، بلکه بعضی از متدینان نیز به آن معتقد هستند و لذا هر دو گروه صحبت کردن از علم اسلامی یا اسلامی کردن دانشگاه‌ها را فاقد معنا و یا اصولاً امری بی‌فایده می‌دانند.

به نظر ما این برداشت‌ها درباره رابطه علم و دین و علم دینی (اسلامی) ناشی از محدود کردن معنای دین و غفلت از محدودیت‌های علم و نیز ناشی از

عینیت دادن به همه آن چیزهایی است که به نام علم تعلیم داده می‌شود. آنهایی که از نزدیک ناظر یا دست‌اندرکار امور علمی نیستند، همه آنچه را که در کتاب‌های علمی آمده است یا دانشمندان از آنها صحبت می‌کنند، واقعاً یافته‌های علم می‌دانند و قطعی تلقی می‌نمایند و از نقشی که ایدئولوژی‌ها و گرایش‌های فلسفی در کاوش‌های علمی و تفسیر داده‌های تجربی ایفا کرده و می‌کنند غفلت دارند. اگر علما صرفاً دنبال توضیح یافته‌های تجربی می‌بودند مشکلی از جهت مطلب مذکور در کار نمی‌بود، و تمایز دینی و غیر دینی یا شرقی و غربی نیز منتفی بود. ولی مسأله این است که دانشمندان بزرگ همواره در مقام توضیح همه جهان طبیعت بوده و کوشیده‌اند از تعمیم یافته‌های محدود خود، نظریه‌های جهان‌شمول بسازند. نظریه‌هایی که بسیار فراتر از حوزه قابل دسترس آنها بوده است و اینجا بوده که پای تعصبات و گرایش‌های دینی و فلسفی به میان آمده است.

ما معتقدیم که هم با بینش سکولار می‌توان در کار علمی موفق شد و هم با بینش الهی. اما تفاوت این دو گونه علم در دو جا ظاهر می‌شود:

الف) به هنگام ساختن نظریه‌های جهان‌شمول (با استفاده از مفروضات متافیزیکی مختلف)،

ب) در جهت‌گیری‌های کاربردی علم (ایدئولوژی‌ها و بینش‌های مختلف فلسفی می‌توانند روی کاربردهای علم محدودیت بگذارند یا آن را به جهات معینی سوق دهند).

بر این مبنا نظر ما این است که علم دینی معنادار و از لحاظ ثمرات، بسیار غنی‌تر از علم سکولار است. زیرا نه تنها نیازهای مادی انسان را برطرف می‌سازد، بلکه جهان را برای او معنادار می‌کند.

البته در اینجا تصریح می‌کنیم که منظورمان از «علم دینی» - و یا به طور خاص، «علم اسلامی» - این نیست که کاوش‌های علمی به صورتی نوین انجام شود یا آنکه برای انجام پژوهش‌های فیزیکی، شیمیایی و زیستی، به قرآن و حدیث رجوع گردد، یا اینکه یافتن معجزات علمی قرآن مورد تأکید قرار گیرد، یا

فی‌المثل کارهای علمی با ابزارهای هزار سال پیش صورت پذیرد و بالاخره آنکه دست‌آورد های عظیم علم در چند قرن گذشته، در ابعاد نظری و عملی، به کناری گذاشته شود (که البته نه امری است مقدور و نه مطلوب)، بلکه غرض این است که برای پرهیز از آفات علم و برای هر چه غنی‌تر کردن آن، باید که بینش الهی بر عالم حاکم باشد - بینشی که خدا را خالق و نگهدارنده جهان می‌داند، عالم وجود را منحصر به عالم مادی نمی‌کند، برای جهان هدف قائل است و اعتقاد به یک نظام اخلاقی دارد. علم سکولار، با خداکاری ندارد؛ تنها برای عالم ماده شأنیت قائل است؛ اصولاً هدف‌دار بودن جهان برای آن مطرح نیست و فارغ از ارزش‌ها است.

همچنین ما درباره رابطه علم و دین، معتقدیم که علم در طول دین قرار دارد نه در عرض آن. به عبارت دیگر فعالیت علمی را یک فعالیت دینی می‌دانیم، با ابزارهای خاص خودش. البته تلقی کار علمی به عنوان یک مقوله دینی (عبادت)، هم در جهان اسلام سابقه دیرین دارد و هم در جهان مسیحیت. در کتاب حاضر، به تبیین مسائل فوق خواهیم پرداخت و برای این کار، ابتدا طی دو فصل طرح بحران کرده‌ایم و تحولات جدید چند دهه اخیر را مطرح ساخته‌ایم؛ در فصل اول سکولار شدن جوامع علمی در غرب و دارالاسلام و علل آن را توضیح داده‌ایم و در فصل دوم به دیدگاه‌های مختلف درباره رابطه علم و دین در جهان معاصر پرداخته‌ایم. آنگاه در دو فصل بعدی وضعیت مطلوب را از دیدگاه اسلام بیان داشته‌ایم؛ بدین معنا که در فصل سوم به تبیین جایگاه علوم طبیعت از نظر اسلام پرداخته‌ایم و در فصل چهارم به عنوان نمونه‌ای از تجلی این دیدگاه، علل پیدایش تمدن درخشان اسلامی در چند قرن اول هجری را تشریح نموده‌ایم. سپس در فصول پنجم و ششم راه‌های میان‌مدت و درازمدت برای وصول به وضعیت مطلوب را ترسیم کرده‌ایم؛ وحدت حوزه و دانشگاه به عنوان یک راه میان‌مدت و تحقق دانشگاه اسلامی به عنوان راهی درازمدت.

در اینجا لازم است متذکر شویم که منظور ما از ذکر دوران درخشان تمدن

اسلامی این نیست که در همه آن دوران، در جمیع نقاط دارالاسلام، شرائط مطلوب برای کار علمی فراهم بوده است، بلکه منظور این است که فرهنگ اسلامی خصوصیات لازم را برای اعتلای علمی دارد و هر جا که آن ویژگی‌ها جمع آمده، محصولی درخشان داشته است (چنان‌که در بعضی از جوامع اسلامی آن چند قرن رخ داده است). بنابراین با زنده کردن آن خصوصیات و استفاده از امکانات عصر خودمان می‌توان یک تمدن اسلامی درخشان متناسب با این زمان به پا کرد.

در واقع این کتاب حکایت از آن دارد که علوم طبیعت، چه در جهان اسلام و چه در تمدن جدید غرب، ابتدا با یک بینش دینی شکل گرفت و سپس در دو قرن اخیر جنبه سکولار پیدا کرد، و نظر نگارنده این است که با توجه به محدودیت‌های بینش سکولار و ثمرات نامطلوب علم سکولار در صحنه عمل، علم باید بار دیگر جنبه دینی به خود بگیرد، تا زمینه برای شکوفا شدن سایر ابعاد وجودی انسان فراهم گردد.

کتاب حاضر ابتداء در سال ۱۳۷۷ به زیر طبع آراسته گردید و اینک چاپ سوّم آن با اضافات، خصوصاً در زمینه علم و دین، انتشار می‌یابد.

این کتاب را به همسر عزیز و ارجمندم، سرکار خانم بتول نجفی، تقدیم می‌کنم و از ایشان و فرزند عزیزم، آقای علی گلشنی، که با موشکافی‌ها و نقّادی‌های خود بر دقّت و وضوح مطالب افزودند نهایت امتنان را دارم و نیز از آقای مهندس حسن فقیه عبداللهی، که ویرایش فنی کتاب را به عهده گرفتند و همچنین از آقای رحمت‌پور مدیر انتشارات پژوهشگاه که در آماده‌سازی چاپ جدید کتاب سرعت عمل بخیر دادند، تشکر می‌کنم.

دکتر مهدی گلشنی

فروردین ۱۳۸۵